یادداشت روز

سوچی؛ دلقکی در سیرک صلح

«یک روز زیبای سپتامبر ...۱۹۵، حدود ساعت ۱۱ صبح قفس بزرگ شیشه‌ای سازمان ملل متحد در آفتاب پاییزی می‌درخشید و ماموریت صلح‌جویانه‌اش را که همان «بزرگ‌ترین مرکز جلب سیاح آمریکا» شدن بود، ادا می‌کرد.» این اولین جمله از رمان «مردی با کبوتر» است که سال ۱۹۵۸ (۱۳ سال پس از تاسیس این سازمان با هدف برقراری صلح در جهان!) از سوی نویسنده‌ای با اسم مستعار «فوسکو سینیبالدی» منتشر شد. بعدها مشخص شد نویسنده این کتاب «رومن گاری» نویسنده و دیپلمات فرانسوی (روسی‌الاصل) است. خواندن این کتاب هنرمندانه و مختصر -۱۲۰ صفحه‌ای- در این روزها که سازمان ملل متحد سرگرم برگزاری هفتاد و دومین نشست مجمع عمومی خود است، خالی از لطف نیست.

گاری که خود سال‌ها عضو هیئت نمایندگان سازمان ملل بوده در این کتاب به زبانی نمادین و فوق‌العاده طناز، عمق بلاهت و فاجعه را در این سازمان پرطمطراق به تصویر می‌کشد. اوج این داستان زیبا را می‌توان در صفحاتی خواند که کبوتر قصه در ساختمان سازمان ملل به پرواز در می‌آید؛ «پرنده به کمیسیون خلع سلاح سر زد و ورودش به آنجا باعث نوعی حس نزدیک به وحشت شد. کبوتر با خیال راحت روی میزها راه می‌رفت و اینجا و آنجا فضله می‌انداخت... به سالن نمایندگان وارد شد... نمایندگان با اتحادی که به ندرت در سازمان ملل دیده شده بود متفقاً به کبوتر هجوم بردند.»

این داستان ۵۹ سال پیش نوشته شده است. در روزگاری که سازمان ملل ظاهرا جایگاهی در دنیا و افکار عمومی داشت و خیلی‌ها امیدوار بودند در سایه تصمیمات و اقدامات آن، فرداهای بهتری در راه است و جهان مکانی امن‌تر برای زندگی خواهد شد و اگر زورگویی در گوشه‌ای از دنیا به جماعتی ستم روا داشت، این سازمان مأمنی برای پناه بردن و ستاندن حق مظلومان خواهد بود. سازمان ملل طی ۷۲ سال گذشته به عرض و طول خود افزوده و به همین میزان نیز از هدف و ماموریت اصلی و اعلامی خود دور و دورتر شده است. گرچه برای تحقق ارزش‌ها و آرمان‌های انسانی، امید داشتن به سازمانی به ظاهر بین‌المللی که پس از جنگ جهانی دوم و از سوی کشورهای فاتح بنا شد، خیال‌بافی بیمارگونه توأم با طنزی تلخ است.

آنچه امروز مقابل چشم جهانیان و بی‌عملی سازمان ملل متحد و سایر نهادهای بین‌المللی و حقوق بشری در میانمار می‌گذرد، نمونه‌ای بی‌بدیل از اوضاع واقعی دنیا و میزان تعهد این سازمان‌ها به صلح و حقوق بشر است. آنچه این تراژدی سیاه تاریخی را غم‌انگیزتر می‌کند، نقش‌آفرینی آنگ سان سوچی است. زنی که ۵ سال پیش در سخنرانی خود هنگام دریافت جایزه نوبل صلح گفت؛ «یک جنبهٔ مثبت از زندگی در انزوا آن است که فرصت زیادی داشتم تا دربارهٔ معنای کلمات و تصوراتی که داشته‌ام و تمام عمرم پذیرفته‌ام، بیندیشم. به عنوان یک بودایی، از زمان خردسالی‌ام دربارهٔ Dukha شنیده‌ام که اغلب به رنج ترجمه می‌شود.»

او از ضرورت التیام رنج، ضرورت تبعیت از حکومت قانون و از عشقش به حقوق بشر جهان‌شمول و امید به آشتی بین‌المللی گفت و افزود: «در نهایت، هدفمان باید خلق یک دنیای عاری از آوارگان، بی‌خانمانان و بیچارگان باشد، دنیایی که تک‌تک گوشه‌هایش یک حرم واقعی باشد که ساکنینش آزادی و امکان زندگی صلح‌آمیز داشته باشند.»

برای او دست زدند و بر سر دستش بردند و بر سریر قدرتش نشاندند. مسلمانان روهینگیا که از آنان به عنوان ستم‌دیده‌ترین قوم روی زمین یاد می‌شود، اگر چه پیش از روی کار آمدن سوچی نیز زندگی روبه‌راهی نداشتند اما طی دو سال اخیر، این اوضاع نه تنها بهبود نیافته بلکه از مرز فاجعه نیز گذشته و به گفته کارشناسان مصداق بارز و روشنی از پاکسازی قومی است. سوچی بعد از مدت‌ها سکوت در قبال این نسل‌کشی و ظلم بی‌حد، در اولین واکنش خود مدعی شد واقعیت آن چیزی نیست که می‌گویند و روایت‌ها از جهنم راخین -استان بندری و غربی میانمار و محل سکونت مسلمانان روهینگیا- مشتی دروغ است که تروریست‌ها منتشر می‌کنند!

دیروز هم سوچی بار دیگر لب به سخن گشود و گفت؛ «همان‌طور که سال گذشته در نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد گفتم، میانمار به‌عنوان یک عضو مسئول جامعه جهانی، هراسی از تحقیقات بین‌المللی در این باره ندارد و به یافتن راه‌حلی با دوام برای دستیابی به ثبات و توسعه برای همه اقوام در ایالت راخین متعهد است. دولت هرچه در توان داشته است برای برقراری آرامش و ثبات در منطقه و ایجاد تعادل میان مسلمانان و سایر اهالی راخین انجام داده است.» پس از آواره شدن چند صد هزار نفر و کشته شدن چند هزار نفر و آن همه فاجعه‌ای که کماکان نیز ادامه دارد، سخن گفتن از توسعه و ثبات و آرامش در راخین، گستاخی و رذالت خاصی می‌طلبد که به‌نظر می‌رسد این برنده جایزه صلح نوبل، یکی از معدود دارندگان آن در جهان باشد!

البته شنیدن چنین مواضع ریاکارانه و بی‌شرمانه‌ای از سوی ماهاتما گاندی و نلسون ماندلای قرن ۲۱ - صفاتی که رسانه‌های غربی به این زن دادند و او را به‌عنوان نماد صلح به جهان چپاندند- عجیب و غریب هم نیست. دو سال و نیم است که یمن تحت محاصره‌ای کامل بوده و هر ۱۰ دقیقه یک کودک یمنی بر اثر عوارض مستقیم تجاوز ریاض، جان خود را از دست می‌دهد. در قرنی که عربستان سعودی با دستی تا مرفق در خون، برای عضویت شورای حقوق بشر سازمان ملل انتخاب می شود، چرا نباید خانم سوچی قهرمان و نماد صلح باشد و جایزه‌اش را بگیرد؟!

برخورد کشورهای غربی با میانمار و سوچی نیز جالب است. تعفن ماجرا بیش از آن است که بتوان آن را پوشاند، پس باید حیله‌ای دیگر به کار بست. مهم‌ترین نکته آن است که از اقدام عملی برای توقف این جنایت هیچ خبری نیست و شواهد نشان می دهد خبری نیز نخواهد شد. در موضع‌گیری‌ها نیز علی‌رغم انتقادها به سوچی، به‌طرزی موذیانه او را تبرئه می کنند و مدعی هستند، گرچه او رهبری میانمار را به‌دست دارد اما قدرت واقعی در دست ارتش این کشور است و از این منظر نباید او را مسئول این وضعیت دانست!

هرچه زمان بیشتر به پیش می‌رود، دنیا ماهیت جنگلی خود را بیشتر آشکار می‌کند. جنگلی که قهرمانان صلح آن شیمون پرز، اسحاق رابین، مناخیم بگین، باراک اوباما و آنگ‌سان سوچی هستند. در چنین جنگلی است که ترامپ به عنوان یکی از ابله‌ترین سیاستمداران فعلی دنیا، پشت تریبون سازمان ملل می‌رود و از صلح و ثبات و آرامش دم می‌زند و ایران را متهم به خشونت و تروریسم می‌کند.

رومن گاری داستان خود را با این جمله به پایان می‌رساند؛ «کبوتر دفن شد.» حیف که بیشتر زنده نماند تا ببیند سیرک صلح جهانی و دلقک‌هایش از ترامپ گرفته تا سوچی و نتانیاهو، چه نمایش پر از آتش و خونی به راه انداخته‌اند.

محمد صرفی

اراجیف رئیس جمهور آمریکا در مجمع عمومی سازمان ملل

ترامپ : نمی‌توانیم به توافق با ایران پایبند باشیم

رئیس جمهور آمریکا در سخنرانی خود در مجمع عمومی سازمان ملل در اظهاراتی گستاخانه و پر از هتاکی جمهوری اسلامی را مورد حمله قرار داد، اینک افکار عمومی در انتظار پاسخ متقابل رئیس جمهور کشورمان به این هتاکی‌ها است.

رئیس جمهور آمریکا در سخنرانی خود در مجمع عمومی سازمان ملل در اظهاراتی پر از هتاکی جمهوری اسلامی ایران را مورد حمله قرار داده و گفت «ایالات متحده نمی‌تواند به برجام پایبند بماند»!

ترامپ رئیس جمهور آمریکا در سخنرانی خود در هفتاد و دومین نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد بدون اشاره به نقض‌های مکرر برجام از سوی این کشور علیرغم انجام همه تعهدات از سوی ایران اظهار داشت: «ما بیش از این نمی‌توانیم اجازه دهیم از ما بهره‌کشی شود یا وارد توافق‌هایی شویم که آمریکا حاصلی از آنها به دست نمی‌آورد.»

وی با اشاره به برجام گفت: «اگر توافقی در انتها پوششی برای ساخت یک برنامه هسته‌ای [برای ایران] فراهم آورد، ما نمی‌توانیم به آن پایبند بمانیم. توافق هسته‌ای ایران یکی از بدترین و یک‌سویه‌ترین توافقاتی است که ایالات متحده تا کنون وارد آن شده است. این توافق مایه شرمساری برای ایالات متحده است.»

رئیس جمهور آمریکا همچنین بدون هیچ‌گونه اشاره‌ای به تعدادی از ایرانیانی که بدون گناه در آمریکا زندانی هستند گفت : «وقت آن است که ایران تمامی آمریکایی‌ها و شهروندان سایر کشورهایی که ناعادلانه بازداشت شده‌اند را آزاد کند.»

ترامپ در ادامه و با تکرار ادعاهای پوچ که در نزدیک چهار دهه گذشته همواره از سوی سیاستمداران و مسئولین آمریکایی علیه کشورمان بیان شده‌اند و بدون اشاره به این واقعیت که متحدین آمریکا در منطقه از جمله عربستان در طول تاریخ خود حتی یک بار انتخابات برگزار نکرده‌اند از «جمهوری اسلامی» با عنوان «دیکتاتوری پنهان‌شده در پشت ماسک دموکراسی» یاد کرد!

ترامپ در ادامه به مقابله جمهوری اسلامی با سیاست‌های خصمانه خود و همچنین رژیم نامشروع صهیونیستی پرداخته و گفت: وقت آن فرا رسیده که ملل دنیا با یک رژیم خطرناک دیگر هم مقابله کنند؛ رژیم دیگری که آشکارا از کشتار جمعی سخن می‌گوید، وعده مرگ آمریکا و نابودی اسرائیل می‌دهد.

وی در ادامه و در حالی «جمهوری اسلامی ایران» را به ترویج خشونت، خونریزی و هرج و مرج متهم کرد که به گفته کارشناسان و مطلعین سیاسی آمریکا مهم‌ترین حامی گروهک‌های تروریستی خونریز چون داعش بوده و همچنان این حمایت را ادامه می‌دهد.

ترامپ در ادامه به حمایت ایران از حزب‌الله لبنان و جبهه مقاومت پرداخته و بدون اشاره به کمک‌های مالی و تجهیزاتی آمریکا به تروریست‌ها در اقصی نقاط جهان گفت «حکومت ایران به جای استفاده از منابعش برای ارتقای زندگی مردم، سودهای ناشی از فروش نفت را صرف تأمین مالی حزب‌الله و سایر تروریست‌هایی می‌کند که مسلمانان بی‌گناه را می‌کشند و به همسایگان صلح‌جوی عرب و اسرائیلی‌شان حمله می‌کنند.»

ترامپ اسمی از همسایگان صلح‌جوی ایران نبرد ولی شاید منظور او عربستان سعودی باشد که بیش از دو سال است ملت بی‌پناه و مظلوم یمن را مورد شدیدترین حملات قرار داده و در یک قرارداد کلان میلیاردها دلار از آمریکا برای کشتار بیگناهان تسلیحات خریداری کرده است!

به دنبال تکرار ادعاهای پوچ و بی‌اساس علیه جمهوری اسلامی از سوی ترامپ افکار عمومی از روحانی انتظار دارد که پاسخ آن را از تریبون سازمان ملل متحد داده و از سوی دیگر دولت واکنش قاطعی در مقابل نقض برجام از سوی آمریکا بدهد.

ظریف در دیدار نماینده ویژه دبیرکل سازمان ملل در امور عراق:

ایران با همه‌پرسی در اقلیم کردستان مخالف است

وزیر خارجه ضمن ابراز مخالفت ایران با برگزاری همه‌پرسی در اقلیم کردستان، بر لزوم احترام به حاکمیت ملی، رعایت قانون اساسی و حفظ یکپارچگی و تمامیت ارضی عراق تاکید کرد و گفت‌وگوی بغداد - اربیل را تنها راه حل رفع اختلافات خواند.

«یان کوبیش» نماینده ویژه دبیرکل سازمان ملل متحد در امور عراق ظهر دوشنبه در نیویورک با محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه کشورمان دیدار و گفت‌وگو کرد.

در این دیدار آخرین وضعیت عراق از جمله موضوع همه‌پرسی در کردستان عراق مورد گفت‌وگو و تبادل نظر قرار گرفت.

ظریف در این دیدار ضمن ابراز مخالفت جمهوری اسلامی ایران با برگزاری همه‌پرسی در منطقه اقلیم بر لزوم احترام به حاکمیت ملی، رعایت قانون اساسی و حفظ یکپارچگی و تمامیت ارضی عراق تاکید کرد و اظهار داشت: گفت‌وگوی بغداد - اربیل تنها راه‌حل رفع اختلافات است.

دیدار وزرای خارجه ایران و انگلیس

همچنین وزیر امور خارجه ایران که به منظور شرکت در هفتاد و دومین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل در نیویورک به سر می برد، با بوریس جانسون وزیر خارجه انگلیس دیدار کرد.

ابعاد مختلف مناسبات دوجانبه و تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی و روند اجرای برجام از جمله مسائل مورد گفت‌وگوی دو وزیر خارجه بود.

در این دیدار طرفین ضمن تاکید بر گسترش روابط دو کشور، در خصوص مسائل مختلف روابط دوجانبه از جمله روابط بانکی و مناسبات کنسولی گفت‌وگو و تبادل نظر کردند.

به گزارش فارس، وزیر امور خارجه انگلیس با بیان اینکه لندن از برجام قاطعانه حمایت می‌کند بر لزوم حفظ و اجرای آن تاکید کرد.

مسائل منطقه‌ای از جمله عراق، سوریه، یمن، بحرین و افغانستان نیز از دیگر محورهای گفتگوهای دو وزیر خارجه بود که طی آن بر لزوم توقف خشونت‌ها در این مناطق و انجام گفت‌وگو برای پایان دادن به تنش‌ها و اختلافات تاکید شد.

ظریف پیش از این نیز با «دیدیر بورخالتر» وزیر امور خارجه سوئیس دیدار و در خصوص روابط دوجانبه و دیگر مسائل مورد علاقه گفت‌وگو و تبادل‌نظر کرده بود.

خبر ویژه

اکونومیست: پاره کردن برجام گشودن زنجیر از پای قدرت ایران است

یک نشریه انگلیسی از آمریکا خواست با تخریب توافق هسته‌ای، ایران را در منطقه قدرتمندتر و بانفوذتر نکند.

هفته‌نامه اکونومیست درباره راهبرد دولت ترامپ در مقابل ایران قدرتمند می‌نویسد: درست است؛ باید هم درباره گسترش نفوذ ایران در منطقه نگران بود. اما رئیس‌جمهور «ترامپ» با این سیاستی که در قبال ایران در پیش گرفته، نه تنها مشکل را حل نمی‌کند، که کار را خراب‌تر هم می‌کند.

دولت ترامپ ظاهرا چهار هدف را در خاورمیانه دنبال می‌کند، نابود کردن داعش، مهار کردن تمام دستاوردهای ایران، برهم زدن میراث اوباما در توافق هسته‌ای و کاستن از سطح درگیری آمریکا در منطقه. اما تا به حال از میان این اهداف چهارگانه؛ فقط هدف نخست برآورده شده است. اما دولت ترامپ از درک این واقعیت غافل مانده که چهار هدف نامبرده هیچ کدام با هم متجانس نیستند.

مشکل اینجاست که آمریکا نه قادر است ایران را به عقب هل بدهد و نه می‌تواند از سطح درگیر بودنش در منطقه بکاهد. اگر ترامپ بیاید و توافق هسته‌ای را پاره کند، در واقع زنجیر یک مهار مهم و اساسی بر پای ایران را از میان برداشته است.

آمریکا در دولت جدید خود مجددا بر روی توافق هسته‌ای ایران تمرکز کرده است و اینبار موضوع دردسرساز، مسئله تقویم زمانی در حاشیه توافق است.

طبق مصوبه کنگره آمریکا رئیس‌جمهور این کشور باید هر ۹۰ روز یک بار به کنگره اعلام و تایید کند که ایران به توافق عمل کرده است.

مسلم است که ترامپ مطلقا دلش نمی‌خواهد که این تاییدیه را به ایران اعطا کند، اما بازرسان هسته‌ای سازمان ملل گزارش داده‌اند که ایران به این معامله عمل کرده است.

اگر متعهد ماندن ایران به برجام را تایید نکند؛ آنگاه بدون آنکه نیازی باشد رسما از برجام عقب‌نشینی کند؛ کار تصمیم‌گیری را در این قضیه به کنگره واگذار کرده است فارغ از اینکه کنگره «برجام» را پاره کند یا نکند؛ ترامپ به هر حال با این عملش، نشان داده است که نمی‌توان در مورد متعهد ماندن به یک معامله روی آمریکا حساب باز کرد.

خانم هیلی آن‌قدر برجام را ناقص می‌داند که می‌گوید: «ما اگر در مقابل ایران قاطع و سرسخت نباشیم؛ فردا با یک کره‌شمالی دیگری وارد معامله خواهیم شد»؛ اما عکس قضیه صادق است.

حقیقت این است که برجام جلوی بروز یک بحران هسته‌ای دوم را گرفته است. برخلاف کره شمالی؛ ایران هیچ‌گونه سلاح هسته‌ای ندارد و به حکم برجام اگر نه برای همیشه، حداقل برای یک دهه مطلقا نمی‌تواند آن را به دست آورد.

با توافق، کار برای مهار کردن ایران بسیار آسان‌تر شده است و بهتر می‌توان ایران را از راههایی دیگر مهار کرد. این راهها عبارتند از: تشکیل ائتلافهای گوناگون استفاده از نیروهای نیابتی، دیپلماسی و به کارگیری نیرویی منظم و تحت قاعده.

تحریم همیشه جزیی از استراتژی آمریکا بوده است. از این به بعد هم تحریم‌های جدید می‌تواند برای حفظ برجام موثر باشد ضمن آنکه همین سلاح موثر می‌تواند تندروهای ایران را هدف قرار دهد.

آمریکا همچنین باید کاری کند تا وحدت «شورای همکاری خلیج(فارس)» حفظ شود.

آمریکا می‌تواند کاری کند که در «یمن» توافقی معقول به دست آید و این جنگ بدون برد را که عربستان در یمن به راه انداخته است به اتمام برسد.

و اما فوری‌ترین مسئله در خاورمیانه؛ سوریه است.

آمریکا می‌گوید که در سوریه به غیر از «کشتن داعش»، کار چندانی ندارد. آمریکا برای آنکه اجازه ندهد ایران یک دالان زمینی از تهران تا بیروت بکشد و با این مزیت در مذاکرات صلح آینده یک اهرم قدرت در دستانش باشد، لازم است واشنگتن متحدانش را هل بدهد تا پست‌های مرزی شرق سوریه را قبل از آنکه اسد و یارانش به آنجا برسند، تصرف کنند.

آمریکا اگر واقعا می‌خواهد جلوی نفوذ ایران در خاورمیانه را بگیرد، باید مصمم‌تر در بعد میدانی رویدادهای منطقه حاضر شود.

به جای تحریف تاریخ از مردم درباره بزک آمریکا عذرخواهی کنید

صادق زیباکلام می‌گوید در ۱۲۰ مصاحبه امام پیش از انقلاب، تنها یکی دوبار اسم آمریکا آمده بود.

وی در نشستی با عنوان «صلح، دموکراسی و حقوق شهروندی» گفته است: ما هیچ چاره‌ای نداریم جز اینکه به مفاهیم اولیه انقلاب بازگردیم. بخوانید روزنامه‌های اول انقلاب یا پیش از آن را که سیاستمداران می‌گفتند ما برای چه با رژیم شاه مبارزه می‌کنیم. ۱۲۰ مصاحبه امام خمینی را تا پیش از پیروزی انقلاب بخوانید. از او می‌پرسیدند علت مبارزه با نظام شاه چیست؟ نظام اسلامی که شما می‌خواهید برپا کنید چگونه است؟ با مارکسیست‌ها و بهایی‌ها چگونه برخورد می‌کنید؟ با زنان، منتقد و مخالف خود چگونه رفتار می‌کنید؟

به گزارش ایسنا، وی تصریح کرد: فکر می‌کنید در آن ۱۲۰ مصاحبه امام چند بار گفته‌اند که مبارزه با شاه مهم نیست و ما باید با آمریکا و غرب مبارزه کنیم. تنها یکی دوبار اسم آمریکا وسط می‌آید ایشان می‌گوید من نمی‌دانم که چرا کارتر از شاه حمایت می‌کند در حالی که مردم شاه را نمی‌خواهند.

اظهارات تحریف‌آمیز زیباکلام در حالی است که حضرت امام(ره)، نهضت را در سال ۴۲ و ۴۳ با اعتراض به دخالت‌های آمریکا از جمله در قضیه تصویب لایحه کاپیتولاسیون آغاز کردند و بزرگ‌ترین نقدشان به نهضت‌های ملی شدن نفت و مشروطه این بود که یا به استعمار اصلاً نپرداختند یا در مقابل استعمار منفعل عمل کردند و نهضت در مقابل انگلیس و آمریکا شکست خورد.

در ۱۵ ساله تداوم و سرکوب نهضت اسلامی ملت ایران، آمریکا علی‌الدوام پشت رژیم پهلوی بود و بنابراین انقلاب اسلامی نمی‌توانست به علت اصلی حاکمیت دیکتاتوری در ایران بی‌تفاوت باشد؛ به ویژه اینکه سرکار آمدن محمدرضا پهلوی در سال ۱۳۲۰ (پس از اشغال ایران) حاصل توافق انگلیس و آمریکا بود و تداوم حکومت وی برای ۲۵ سال دیگر با وجود فرار از ایران در سال ۳۲، محصول کودتای مشترک آمریکا و انگلیس بود. سفارت آمریکا نیز از بحبوحه انقلاب در سال‌های ۵۶ و ۵۷، مشغول طراحی انواع سناریوها برای ابقای رژیم پهلوی از طریق کسانی چون بختیار و سپس زد و بند با سران نهضت آزادی برای مسیر انقلاب بود. در طول ۸-۳۷ سال گذشته نیز انواع توطئه‌های نظامی، غائله‌آفرینی، آشوب‌افکنی و تحریم‌های اقتصادی علیه ملت ایران در دستور آمریکایی‌ها بوده است. با این وصف چگونه می‌توان ملت و حاکمیت جمهوری اسلامی را شماتت کرد که چرا از دشمنی‌های آمریکا یاد می‌کنند.

اما اینها همه حاشیه‌پردازی است. آقای زیباکلام سال‌های ۹۲ و ۹۳ که تب مذاکره با آمریکا به اوج رسیده بود، جزو تبلیغاتچی‌ها و بزکچی‌های بی‌محابای آمریکا بود و ادعا می‌کرد که می‌شود با آمریکا توافق و مشکلات را حل کرد اما جمهوری اسلامی با ماجراجویی، نخواسته مشکلات را حل کند(!) او اکنون با بدعهدی دولت ترامپ و قبل از آن اوباما باید درباره بزک کردن سیمای منفور آمریکا از مردم عذرخواهی کند و البته به تقسیم‌بندی دروغین «تفاوت دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان» متوسل نشود؛ چه اینکه نقض برجام در همان دولت اوباما آغاز شد و در کنگره هم دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان با اتفاق نظر مطلق، نسخه‌های تحریمی علیه ایران را یکی پس از دیگری پیچیده‌اند.

دیروز، مدعی خط امام(ره) امروز، پادویی گروهک مطرود امام

دبیر حزب اتحاد ملت، انتخاب رئیس جدید برای گروهک نهضت آزادی را تبریک گفت.

شکوری‌راد در نامه‌ای به محمد توسلی، گروهک غیرقانونی و مطرود امام خمینی(ره) را «حزب دیرپا» توصیف کرد و ضمن تجلیل از ابراهیم یزدی نوشت: «نهضت آزادی ایران حزبی دین‌مدار و اصلاح‌طلب بوده و از سابقه‌ای طولانی در پیش و پس از انقلاب برخوردار است و ... در کسوت حزبی منتقد به سیاست‌ورزی اصلاح‌طلبانه مشغول بوده و هیچگاه مرام خود را فرو ننهاده و از پای ننشسته است. مرحوم یزدی در پیام تبریکی که پس از صدور پروانه فعالیت حزب اتحاد ملت برای اینجانب فرستادند، اصلاح‌طلبی را فراتر از کنش سیاسی و به عنوان یک مشی و مرام معرفی کردند ... خرسندم که اعلام کنم این موارد همانهایی هستند که قاطبه اصلاح‌طلبان از جمله حزب اتحاد در آن اشتراک نظر دارند. امید است در دوره دبیرکلی جنابعالی تعامل سازنده با احزاب اصلاح‌طلب و نیروهای سیاسی موثر در جامعه تداوم و گسترش یابد. دور از انتظار نیست که نهادهای مسئول در نظام جمهوری اسلامی با تجدیدنظر در سیاست‌های گذشته و رویکردهای امنیتی از حضور رسمی و آزاد همه جریان‌هایی که التزام عملی خود به قانون اساسی را اعلام و اثبات کرده‌اند استقبال کنند و کشور نیز از حضور سازنده آنها بهره ببرد.

معرفی گروهک نهضت آزادی به عنوان حزبی اصلاح‌طلب، تاکید بر مشترک بودن اهداف آنان با «اصلاح‌طلبان» و لزوم تعامل طرفین و نهایتا دعوت به تجدیدنظر نظام درباره این گروهک درحالی است که طیف چپ مدعی خط امام (ره)، بیشترین درگیری را با نهضتی‌ها داشت و به اعتبار دخالت در تسخیر لانه جاسوسی آمریکا و افشای اسناد آن، به درستی، سران این گروهک را خائن به ملت و جمهوری اسلامی می‌شمرد. در سال ۶۶ نیز این علی‌اکبر محتشمی‌پور وزیر کشور وقت بود که ضمن مرور مستند سوابق خیانت نهضت‌آزادی، درباره رسمیت آنها از حضرت امام استفسار کرد و امام خمینی تأکید کردند که اگر این گروه بر سر کار مانده بودند اسلام و ایران سیلی از دشمنان می‌خورد که تا قرن‌ها سر بلند نمی‌کرد و نهضت آزادی به هیچ وجه نباید رسمیت داشته باشند.

شخص شکوری‌راد از جمله چپ‌های مدعی خط امام است که برای چند دهه نان خط امام را خورده و تظاهر به طرفداری از امام می‌کرد. اکنون نفاق وی و برخی همراهانش در حالی بیرون ریخته که زمانی علوی‌تبار درباره حزب قبلی شکوری‌راد (حزب منحله مشارکت) پیش‌بینی کرده بود طیف تجدیدنظر حزب، طیف خط امامی را در حزب مشارکت بر حاشیه خواهد راند.

یکی دو سال پیش نیز عیسی سحرخیز فاش کرد: اغلب اصلاح‌طلبان برخلاف اول انقلاب، دیگر علاقه و ارادتی به آیت‌الله خمینی ندارند.

دست بالای دست بسیار است اعتدالیون، اصلاح‌طلبان را قال گذاشتند

«سخنان اخیر عارف، آب پاکی را روی دست رفقای نیمه‌راه در فراکسیون امید ریخت. به نظر می‌رسد این سخنان، پایان یارکشی اصلاح‌طلبان از اعتدالیون است.»

سایت نامه‌نیوز از سایت‌های نزدیک به طیف ائتلافی دولت در تحلیلی نوشت: «درب» سیاست برای اصلاح‌طلبان همیشه روی یک پاشنه نچرخیده و نمی‌چرخد، به همین دلیل است که اصلاح‌طلبان روزی دست در دست اعتدالیون با ائتلاف جانانه، پل‌های قدرت را با سرعت طی کرده و بعد از سال‌ها سکوت، بار دیگر به کرسی قدرت می‌رسند و روزی هم برای برافراشتن پرچم یک‌دست اصلاح‌طلبانه بر سردر اردوگاهشان، عزم خود را جزم می‌کنند.

گویی مقتضیات زمانه که مهم‌ترین متغیر در مسیر تصمیم‌گیری‌های سیاسی است این بار روی دیگرش را در جریان اصلاحات نشان داده است. آنها که چند صباحی پیش به دلیل تایید نشدن ژنرال‌هایشان در انتخابات مجلس دهم، گزینه ائتلاف با اعتدالی‌ها و طرفداران دولت را انتخاب کرده بودند و روزگاری هم به دلیل نداشتن چهره رای‌آور و مقبول، پشت حسن روحانی به عنوان گزینه اعتدالی قرار گرفتند حال گویی تصمیمشان را بر قراری دیگر گذاشته‌اند.

با وجود اینکه برخی تحلیل‌ها از احتمال ادامه ائتلاف میان اصلاح‌طلبان و اعتدالی‌ها برای انتخابات ۱۴۰۰ حکایت می‌کنند اما درمورد انتخابات مجلس یازدهم، اصلاح‌طلبان ساز جدیدی را کوک کرده‌اند و گویا قرار است شاهد تک‌نوازی اصلاح‌طلبی در سال ۹۸ باشیم.

«پیش‌بینی من این است که ما در انتخابات سال ۹۸ هم با پرچم اصلاح‌طلبانه وارد می‌شویم یعنی ائتلاف نمی‌کنیم. اندازه کافی هم نیرو داریم و با تعاملی که با شورای نگهبان داریم و با تغییر نگرشی که در برخی از نهادهای حاکمیتی نسبت به جریان اصلاحات به وجود آمده است ان‌شاءالله به این نتیجه برسیم که تایید صلاحیت‌ها روند عادی و قانونی را طی کند و همانند انتخابات شوراها با تورم نیرو مواجه باشیم.» عارف با گفتن این جملات آب پاکی را بر دست آنهایی که با لیست امید به مجلس آمدند، اما کم‌کم سفره خود را از اصلاح‌طلبان جدا کردند، ریخت.

ائتلاف برای اصلاح‌طلبان استراتژی جدیدی بود که با پیگیری جدی کارگزارانی‌ها در دستور کار قرار گرفت. مهره‌های شطرنج در جای مناسب قرار گرفتند. اولین مهره حرکت کرد و اولین هدف اصلاح‌طلبان به ثمر رسید؛ پاستور از «آن» یار مشترک اعتدالی و اصلاح‌طلب شد؛ حسن روحانی.

مجلس دهم نیز هدفی بود که باز با تکیه بر حرکت مهره‌های مشترک اعتدالی - اصلاح‌طلبی به واقعیت تبدیل شد.

هرچند شروع مجلس دهم برای اصلاح‌طلبان با لیست امید، پربار و پیروزمندانه بود، اما گذر زمان، آن روی سکه این پیروزی را به آنها نشان داد.

اما بداقبالی اهالی لیست امید و همراه نشدن اعضای فراکسیون با یکدیگر، در انتخاب رئیس مجلس و هیئت‌رئیسه خلاصه نشد، حتی اهالی اصلاح‌طلب مجلس در میدان انتخابات کمیسیون‌ها، بازی را به رقیب واگذار کردند. این شکست‌های مستمر تا جایی پیش رفت که محمدرضا عارف در قامت رئیس فراکسیون امید، از پشت پرده این شکست‌ها سخن گفت: «اگر برخی کم‌لطفی‌ها از جانب کسانی که در ائتلاف امید بودند، صورت نمی‌گرفت، بهتر به هدف خود می‌رسیدیم و به همین دلیل گلایه‌های جدی در این خصوص وجود دارد.»

البته این اولین و آخرین گلایه عارف از یاران نیمه‌راه نبود، چه آنکه هنوز بعد از گذشت بیش از یک سال از مجلس دهم، زمانی که قرار است عارف از انتخابات بعدی و راهبردهای اصلاح‌طلبان سخن بگوید، گریزی به جداشدگان لیست امید می‌زند: «ائتلافی که انجام شد بیشتر ائتلاف اصلاح‌طلبان و حامیان دولت بود. لیست امید شکل گرفت و متاسفانه قبل از شروع مجلس و بعد از آن، در ماه‌های اول یک تعداد از افرادی که با این نگاه در لیست امید قرار داده بودیم در فراکسیون امید حضور پیدا نکردند و متاسفانه حتی بعضا رو در روی فراکسیون امید هم قرار گرفتند.»

گفت و شنود

عینک دودی

گفت: یکی از روزنامه‌های زنجیره‌ای مشکل مسکن را هم تقصیر دولت‌های نهم و دهم انداخته است!

گفتم: مسکن مهر تعداد زیادی از خانوارهای کم‌درآمد را صاحب‌مسکن کرده بود ولی دولت یازدهم ساخت مسکن مهر را متوقف کرد و آن را «مزخرف» نامید!

گفت: دولت یازدهم اعلام کرد که به جای مسکن مهر قصد دارد پروژه «مسکن اجتماعی» را دنبال کند که از آن هم خبری نشد.

گفتم: اما، در جریان تبلیغات انتخاباتی قول تحویل مسکن مهر را دادند.

گفت: چه عرض کنم؟! بالاخره معلوم نشد از نظر آنها مسکن مهر خوب است یا مزخرف؟!

گفتم: طرف عینک دودی به چشمش زده بود، رفت توی کوچه و محکم خواباند بیخ گوش پسرش و گفت؛ این وقت شب توی کوچه چه می‌کنی؟ پسرش گفت؛ الان که شب نیست، عینک دودی را بردار. و طرف بعد از اینکه عینک را برداشت و دید که روز است، باز هم بیخ‌گوش پسرش زد و گفت؛ فلان فلان شده، دیشب تا حالا توی کوچه چه می‌کردی؟!

پس از دیدار با آمانو

صالحی: فراتر از توافق پادمان، پروتکل الحاقی و برجام التزامی نداریم

رئیس سازمان انرژی اتمی ایران پس از دیدار با مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گفت: ما بیش از آنچه در توافقنامه پادمان، پروتکل الحاقی و برجام آمده است، التزامی برای خود نمی‌بینیم.

علی‌اکبر صالحی رئیس سازمان انرژی اتمی کشورمان پس از دیدار با یوکیا آمانو مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در حاشیه شصت و یکمین کنفرانس عمومی آژانس در وین این ملاقات را بسیار خوب برشمرد و گفت: آمانو از اینکه ایران به تعهداتش پایبند بوده خیلی ابراز رضایت می‌کرد، ما هم از اینکه آژانس تا به امروز توانسته بدون سمت‌گیری کار را پیش ببرد، اظهار رضایت کردیم.

وی افزود: ما اعلام کردیم که به هر آنچه که در توافقنامه پادمان، پروتکل الحاقی و برجام آمده است ملتزم هستیم. هر آنچه در این سه بخش آمده باشد. بیش از این ما التزامی برای خود نمی‌بینیم و این را صریحا اعلام کردیم.

به گزارش فارس، معاون رئیس‌جمهور خاطرنشان کرد: ضمنا یکسری پروژه‌هایی که عزیزانمان در سازمان انرژی اتمی پیشنهاد دادند که با کمک آژانس آن پروژه‌ها را پیش ببرند، آنها نیز در این دیدار مطرح شد و آژانس هم آمادگی خود را برای پیشبرد این پروژه ها اعلام کرد.

وی بار دیگر گفت: در مجموع ملاقات خوب و مثبتی بود و ایشان گزارشی هم از ملاقات‌هایی که با دیگران داشته، در خصوص برجام ارائه کرد و در مجموع ملاقات مثبتی بود.

صالحی افزود: تاکید ما هم این بود همانطور که در سوگندنامه مدیرکل آژانس آمده و توسط آمانو نیز قرائت شد، مدیرکل آژانس باید مستقلانه عمل کند و گوش به توصیه‌های دیگران نداشته باشد. تا به امروز احساسمان این است که آژانس به این سوگندنامه بخصوص در ارتباط با برجام وفادار بوده است.

وی درباره اینکه آیا قرار است آمانو سفری به ایران داشته باشد؟ نیز گفت: در رابطه با این موضوع صحبتی انجام نشد.

کیهان و خوانندگان

**۳۳۱۱۰۰۶۵ ساعت ۳ تا